

الشامل في الصناعة الطبية

جلد چهاردهم
(کتاب ز)

تأليف علاء الدين ابوالحسن بن ابي الحزم قرشي (ابن النفيس)

(٦٠٧-٦٨٧ هجرى شمري)

ترجمه
دکتر احسان مقدس



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فهرست

«کتاب ز»

مقدمه مصحح ۱۳

مقاله اول

در احکام کشمش	۱۷
فصل اول- در ماهیت کشمش	۱۷
فصل دوم- در طبیعت کشمش و تأثیر کلی آن	۱۹
فصل سوم- در تأثیر کشمش بر اندام‌های سر	۲۱
فصل چهارم- در تأثیر کشمش بر اندام‌های سینه	۲۲
فصل پنجم- در تأثیر کشمش بر اندام‌های گوارش	۲۳
فصل ششم- در بقیه احکام کشمش	۲۵

مقاله دوم

در احکام کف دریا	۲۷
فصل اول- در ماهیت کف دریا	۲۷
فصل دوم- در طبیعت کف دریا و تأثیر کلی آن	۳۴
فصل سوم- در بقیه احکام کف دریا	۳۶

مقاله سوم

۳۹	در احکام کره (الرُّبْد)
۳۹	فصل اول - در ماهیت کره
۴۰	فصل دوم - در طبیعت کره و تأثیر کلی آن
۴۲	فصل سوم - در تأثیر کره بر اندام های سر
۴۴	فصل چهارم - در تأثیر کره بر اندام های سینه
۴۵	فصل پنجم - در تأثیر کره بر اندام های گوارش
۴۷	فصل ششم - در بقیه احکام کره

مقاله چهارم

۴۹	در احکام زباد
۴۹	فصل اول - در ماهیت زباد
۵۰	فصل دوم - در طبیعت زباد و سایر احکام آن

مقاله پنجم

۵۱	در احکام مدفوع
۵۱	فصل اول - در ماهیت مدفوع و طبیعت آن و تأثیر کلی آن
۵۷	فصل دوم - در تأثیر مدفوع به طور مفصل

مقاله ششم

۶۳	احکام شیشه
----	------------------

مقاله هفتم

۶۹	در احکام زرنباد
----	-----------------------

فصل اول - در ماهیت زرنباد	۶۹
فصل دوم - در طبیعت زرنباد و تأثیر کلی آن	۷۱
فصل سوم - در تأثیر زرنباد بر اندام های سر	۷۲
فصل چهارم - در تأثیر زرنباد بر اندام های سینه	۷۴
فصل پنجم - در تأثیر زرنباد بر اندام های گوارش	۷۵
فصل ششم - در بقیه احکام زرنباد	۷۶

مقاله هشت

در احکام سرو ترکستانی (زرنب)	۷۹
فصل اول - در ماهیت سرو ترکستانی (زرنب)	۷۹
فصل دوم - در طبیعت زرنب و تأثیر کلی آن	۸۰
فصل سوم - در بقیه احکام زرنب	۸۰

مقاله نهم

در احکام زراوند	۸۳
فصل اول - در ماهیت زراوند	۸۳
فصل دوم - در طبیعت زراوند	۸۶
فصل سوم - در تأثیر زراوند بر اندام های سر	۸۷
فصل چهارم - در تأثیر زراوند بر اندام های سینه	۸۸
فصل پنجم - در تأثیر زراوند بر دستگاه گوارش	۸۹
فصل ششم - در بقیه احکام زراوند	۹۰

مقاله دهم

در احکام زعفران	۹۳
فصل اول - در ماهیت زعفران	۹۳

فصل دوم - در طبیعت زعفران و تأثیر کلی آن	۹۴
فصل سوم - در تأثیر زعفران بر اندام‌های سر	۹۶
فصل چهارم - در تأثیر زعفران بر اندام‌های سینه	۹۸
فصل پنجم - در تأثیر زعفران بر اندام‌های گوارش	۹۹
فصل ششم - در تأثیر زعفران بر اندام‌های دفع	۱۰۰
فصل هفتم - در بقیه احکام زعفران	۱۰۱

مقاله یازدهم

در احکام زالزالک (زغروب)	۱۰۳
فصل اول - در ماهیت زالزالک	۱۰۳
فصل دوم - در طبیعت زالزالک و تأثیر کلی آن	۱۰۴
فصل سوم - در بقیه احکام زالزالک	۱۰۵

مقاله دوازدهم

در احکام زفت	۱۰۷
فصل اول - در ماهیت زفت	۱۰۷
فصل دوم - در طبیعت زفت و تأثیر کلی آن	۱۰۸
فصل سوم - در تأثیر زفت بر اندام‌های سر و سینه	۱۰۹
فصل چهارم - در تأثیر زفت بر اندام‌های گوارش و اندام‌های دفع	۱۱۱
فصل پنجم - در بقیه احکام زفت	۱۱۱

مقاله سیزدهم

در احکام زنجبیل	۱۱۳
فصل اول - در ماهیت زنجبیل	۱۱۳
فصل دوم - در طبیعت زنجبیل	۱۱۴

فصل سوم- در تأثیر زنجبیل بر اندام‌های سر.....	۱۱۵
فصل چهارم- در تأثیر زنجبیل بر اندام‌های سینه و اندام‌های گوارش	۱۱۶
فصل پنجم- در تأثیر زنجبیل بر اندام‌های دفع	۱۱۷
فصل ششم- در بقیه احکام زنجبیل	۱۱۹

مقاله چهاردهم

در احکام تنگار	۱۲۱
فصل اول- در ماهیت تنگار و طبیعت آن	۱۲۱
فصل دوم- در بقیه احکام تنگار	۱۲۳

مقاله پانزدهم

در احکام زوفای خشك	۱۲۷
فصل اول- در ماهیت زوفای خشك	۱۲۷
فصل دوم- در مدت زوفای خشك و تأثیر کفی آن	۱۲۸
فصل سوم- در تأثیر زوفای خشك بر اندام‌های سر	۱۲۹
فصل چهارم- در تأثیر زوفای خشك در اندام‌های سینه	۱۳۰
فصل پنجم- در تأثیر زوفای خشك بر اندام‌های گوارش و اندام‌های دفع	۱۳۰

مقاله شانزدهم

در احکام زوفای تر	۱۳۳
فصل اول- در ماهیت زوفای تر	۱۳۳
فصل دوم- در بقیه احکام زوفای تر	۱۳۳

مقاله هفدهم

در احکام زیتون	۱۳۵
----------------------	-----

فصل اول- در ماهیت زیتون	۱۳۵
فصل دوم- در طبیعت زیتون و تأثیر کلی آن	۱۳۷
فصل سوم- در تأثیر زیتون بر اندام‌های سر	۱۳۸
فصل چهارم- در تأثیر زیتون بر اندام‌های سینه و اندام‌های گوارش	۱۴۰
فصل پنجم- در بقیه احکام زیتون	۱۴۱

مقاله هجدهم

در احکام روغن زیتون	۱۴۳
فصل اول- در ماهیت روغن زیتون	۱۴۳
فصل دوم- در طبیعت روغن زیتون و تأثیر کلی آن	۱۴۴
فصل سوم- در تأثیر روغن زیتون بر اندام‌های سر	۱۴۶
فصل چهارم- در تأثیر روغن زیتون بر اندام‌های سینه و اندام‌های گوارش	۱۴۸
فصل پنجم- در بقیه احکام روغن زیتون	۱۴۹

مقاله نوزدهم

در احکام جیوه	۱۵۱
فصل اول- در ماهیت جیوه	۱۵۱
فصل دوم- در طبیعت جیوه و تأثیر کلی آن	۱۵۳
فصل سوم- در بقیه احکام جیوه	۱۵۴

خاتمه کتاب

زان	۱۵۷
زاووق	۱۵۷
زآء	۱۵۷
زیب الجبل	۱۵۷

۱۵۸	زبد البحيرة.....
۱۵۹	زبد القمر.....
۱۵۹	کف بوره (زبد البورق).....
۱۶۰	زرنیخ.....
۱۶۱	زرشك.....
۱۶۱	زرتك.....
۱۶۱	زرينوري.....
۱۶۲	زريرا.....
۱۶۲	زرجون.....
۱۶۲	زرافقة.....
۱۶۲	زرقون.....
۱۶۲	زعفران الحديد.....
۱۶۳	زغبر.....
۱۶۳	قيركشتي (زفت السفن).....
۱۶۳	زفيرف.....
۱۶۳	زقوم.....
۱۶۴	زقشه.....
۱۶۴	زلم.....
۱۶۴	زهج.....
۱۶۴	زمزد.....
۱۶۵	زقارة الزاعى.....
۱۶۵	زنجيل الكلاب.....
۱۶۵	زنجيل شامى، و زنجيل بلدى.....
۱۶۵	زنجيل العجم.....
۱۶۶	زنيق.....

٦٦١	 شنگرف (زنجفر)
١٦٧	 زهرة
١٦٧	 زهرة الملح
٧٦١	 كف مس (زهرة النحاس)
١٦٨	 زهر الحجر
١٦٨	 زوفرا
١٦٩	 زوا
١٦٩	 زنبار
١٧٠	 زيز
١٧٠	 زيت السودان
١٧٠	 زيت ركابي
٧١٠	 (زيت الحبش وزيتون الكلبة)
١٧١	 زيرفون
١٧٣	 متن عربي

کتاب ز

مقدمه مصحح

با پایان جلد چهاردهم از متن تصحیح شده، کتاب «ز» کامل می‌شود، و در پایان آن به آغاز کتاب «س» می‌رسیم که در حقیقت کتاب دوازدهم از جزء دوم از فن سوم از کتاب الشامل فی الصناعات الطبیه می‌باشد و جای پانزدهم از متن تصحیح شده و منتشر شده ما خواهد بود.

نظر به این که جلد قبلی (جلد سیزدهم) پنج مقاله اول کتاب «ز» را شامل می‌شد، لذا جلد حاضر در بر گیرنده بقیه مقالات نورنه گنه و خاتمه می‌باشد، و استخراج متن تصحیح شده بعد از مقایسه بین سه نسخه خطی که عبارت بودند از نسخه کتابخانه ظاهریه «ه» و نسخه کتابخانه بودلیان «و» و نسخه موزه بغداد «ز»، که مشخصات نسخه‌های خطی مذکور را به تفصیل در مقدمه جلد های قبلی آورده ایم و در این جا نیز بعد از مقدمه نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی مذکور را می‌آوریم.^۱

قابل ذکر است که این جلد ما در حقیقت پایان نسخه خطی کتابخانه ظاهریه می‌باشد، زیرا که این نسخه خطی با انتهای حرف «ز» به پایان می‌رسد، و به جانم سوگویم که این نسخه خطی، نسخه خطی خوبی بود که بسیار از توقف آن تا این حد از کتاب متأسف شدم، و این نسخه در ضبط متن و تصحیح خطاهای بسیار که کاتب نسخه خطی بودلیان با رمز «ن» مرکب شده بود، کمک‌های فراوانی به من کرد، و حاشیه صفحات اخیر نسخه خطی ظاهریه در برداشته بخش‌های افتاده ای از متن است، و احساس می‌شود که شخص دیگری اقدام به تکمیل متن

۱. نسخه چاپی جلد سیزدهم و جلد چهاردهم، فاقد مقالات اول تا چهارم کتاب ز بود و مترجم در طی ارسال نامه ای الکترونی به آقای دکتر یوسف زیدان موضوع را به ایشان اطلاع دادند و نامبرده لطف کردند و از نسخه موجود در رایانه شخصی خود، مقالات افتاده در نسخه چاپی را برای مترجم ارسال کردند، و مترجم بر خود واجب می‌داند که از زحمات ایشان که علی رغم کسالت و عمل جراحی قلب باز، اقدام به ارسال مقالات مورد نظر نمودند تشکر و قدردانی نماید (مترجم).

۲. تصویر حفحاتی از نسخه‌های خطی ظاهریه و بودلیان و بغداد حذف شده است (مترجم).

کرده است، مخصوصاً این که قلم کاتب حواشی با رسم الخط کاتب اصلی متن مختصری تفاوت دارد... و چه بسا که کاتب اصلی بعد از پایان گرفتن نسخه خطی، آن را مجدداً مورد بررسی قرار داده و اقدام به ضبط متن و کامل کردن نواقص آن با قلم خود کرده است، (نگاه کنید به نمونه‌های عرضه شده بعد از این مقدمه)، اما برگ آخر این نسخه خطی دربردارنده فوایدی طبی است که با قلم مغربی نوشته شده است، که این خط صفحات نسخه خطی را با ملاحظات تحت عنوان «توجه کن» یا «انظر» پر کرده است، و ما به علت کثرت این ملاحظات از ذکر آن در حاشیه تسخیر خودداری نمودیم.

شگفت آور آن که سینه طبی موزه بغداد با رمز «غ» نیز همراه با نسخه خطی ظاهریه با انتهای حرف «ز» به اسمها رسیده و آنگاه بعد از چند صفحه افتادگی با درج مقاله هفتم از حرف «س» ادامه می‌یابد، و همان‌طور که در نمونه نسخه‌های خطی بعدی می‌بینیم، بعد از برگ آخر فضای خالی بزرگی داشته است، که این امر برخلاف عادت کاتب مذکور است، زیرا که این کاتب اقدام به فشردن کتب سوز در صفحات می‌کرد، بدون آن که جای خالی بگذارد (و چه بسا که این کار را به خاطر دشواری دستیابی به کاغذ در آن دوره می‌کرده است). اما در خصوص متن باید گفت که ابن النفیس همان روش سابق خود را از نظر تلاش کامل در راستای تبیین و تفصیل و احاطه مطالب ادامه داده است و در آن بخش کتاب نیز اشاراتی دال بر روش تدوین مولف و طریقه بحث علمی وی نیز دیده می‌شود و این چیزی است که ما در مقدمه‌های قبلی خود بدان اشاره کردیم، و در این جا با شواهد بیست و دو، تأکید قرار گرفته است، و از جمله آن‌ها توجه شدید مولف به تجربه و همچنین تجربه و تحلیل نتایج تجارب می‌باشد، و از جمله چیزهایی که در هنگام اشاره به تجربه بیان می‌کند، این مطلب است که زرنباد آدمی را چاق می‌کند، و با این وجود خاصیت غذایی ندارد!

ابن النفیس در این خصوص می‌گوید: این دارو تجربه شده است و مشاهده شده که آدمی را چاق می‌کند، و این در حالی است که قبلاً بیان کردیم که برای تغذیه اندام‌ها مناسب نمی‌باشد، لذا چاق کردن آن با ماده اش نمی‌باشد و ممکن است که با صورت و حالت آن باشد، بدین گونه که قوت اندام‌ها را بر تغذیه افزایش می‌دهد و یا ممکن است که باعث نفوذ غذاها می‌شود و یا غیره....

و مطالبی را که ابن النفیس در این جا بیان می‌کند، چیزی است که ما امروزه به نام «فرضیه» می‌شناسیم و یکی از مهم‌ترین ارکان روش تحقیق تجربی است.

ابن النفیس در گزارش موارد تجربی خود شخصی امین است، و تنها چیزهایی را که از نظر تجربی صحیح بوده، ذکر می‌کند، و به همین خاطر می‌بینیم که به وضوح کامل بیان می‌کند که تأثیر این داروها در نزد وی صحیح و یا نادرست است، و از جمله این موارد مطالبی است که در آخر مقاله الزعزعی، بیان می‌کند و می‌گوید که: من آن را تجربه نکرده‌ام.

ابن النفیس بنا بر عادت خود به ذکر اطلاعات متنوع مرتبط با موضوع خود می‌پردازد، و از جمله در این جلد نیز در هنگام بحث گفتن از ماهیت جیوه به کندوکاو عمیق در ترکیب شیمیایی جیوه می‌پردازد، و در مقایسه‌ای که بین او و بین پزشکان و داروسازان بزرگ در خصوص جیوه کردم، مشاهده کردم که هیچ کدام بر پیشینیان، مثل رازی (حاوی ۵۹۷/۲۰) و یا ابن سینا (قانون ۳۰۳/۱) و یا نسلهای بعدی نظیر ابن سینا و ملک مظفر و داود انطاکی، که در باره جیوه و ماهیت و طبیعت آن به عنوان مقدمه‌ای در ذکر افعال آن در بدن کرده‌اند، مطالبی را همانند ابن النفیس آورده باشند، و نزدیک به مطالب فید. مطالبی است که ابن النفیس در مقاله شیشه در آینه جغرافی مصر و تاریخ زمین‌شناسی آن آورده است، و ذکر برخی از شواهدی که دلالت می‌کند که سرزمین مصر در دوره‌های کهن تاریخی دریا بوده است، چون مددی در یک چاه در قرافه مصر یک پارو پیدا شد، و در آن کف دریا مالا مال از طلا است و شن در سرزمین مصر به وفور یافت می‌شود.

از جمله قواعد کلی که ابن النفیس بر ذکر آن - در فرصت‌هایی که می‌یابد - و در سیاق کلام اجازه می‌دهد - مداومت می‌کند، مطالبی است که در فصل سوم مقاله زرنباد ذکر کرده و تأکید می‌کند که احساس مزه‌ها توسط زبان همانا نمونه‌ای از انفعال بدن و تأثیر پذیری آن از این دارو یا غیره می‌باشد. و این قاعده‌ای است که نیازمند دقت و تأمل است.

در خاتمه کتاب «ز» ابن النفیس دچار اشتباهی شده است، که از روش او در تألیف کتاب پرده بر می‌دارد، بدین گونه که می‌گوید: جیوه، ما آن را ذکر خواهیم کرد، و این در حالی است که وی قبلاً جیوه را به تفصیل ذکر کرده بود، و این بدان معنی است که وی ابتدا مفرداتی را که می‌خواست مقالات مستقلی برای آن تدوین کند، مجزا می‌کرد، و از بقیه مفرداتی که در خاتمه

می گذاشت، جدا می نمود، و این بدان معنی است که وی خاتمه را قبل از مقالات تألیف کرده است!

و در پایان باید افزود که از جمله مطالب قابل توجه در روش تألیف ابن النفیس اینست که وی هنگامی که در باره مطالب علمی سخن می گوید، به طور کامل از بحث در باره جوانب مذهبی و دینی آن خودداری می کند، و حتی هنگامی که در خاتمه سخنان، از درخت زقوم سخن به میان می آورد، به هیچ وجه اشاره نمی کند که این نام در قرآن آمده است، و این در حالی است که نام این درخت اولین چیزی را که به ذهن تداعی می کند، نص قرآنی آن می باشد، و این موضوع قابل تأمل است.

• خدواند یاری دهنده در تکمیل است.

والله المعین علی التمام.

دکتر یوسف زیدان